باب پانزدهم

در بیان قواعد و ضوابط کلیه و جزئیه که در اعمال این کتاب
رعایت آن لازم است مشتمل بر پنج باب   در شرایط و
وآداب عامه کلیه ملاحظه آن در مجموع اعمال خیر و شر ضرورت
است مشتمل است بر دوازده فصل   در طلب استاد کامل
و عامل و گرفتن اجازت و تلقین از وی در آن و ریاضت میانه
والفت و بصفات حسنه   در توجه تام بشغل اعمال   در ملاحظه
استحقاق معمول له   در تحلیل و حلت طعام و ارتکاب صوم
و صدقه   در ترک اکل حیوانات و بعقودات کریهة الروایح
در طهارت کامل و تنظیف لباس و منزل   در ملاحظه مبد
شریفه و امکنه متبرکه   در اختیار عزلت و خلوت کیفیت جلوس
در حین عمل   در سوختن بخور لایق داشتن معمول   در تکرار
عمل و صبر بر تا خر نتیجه کتمان عمل   در اختتام عمل در ذکر و
تسبیح و صلوات   در اختیارات شهور اثنی عشر محرم ذکر
وی الله اکبر و اسم وی یا خیر المنزلین   و عمل وی شجاعت و
ثبات عزم و تقویت قلب و ظفر جستن بر خصم و بیفرو راد وسط
وسط بماه صفر ذکر وی الله اکبر   و اسم وی یا مقلب اللیل
والنهار   و عمل وی دفع سحر و چشم زخم و طرد موذیات و

وطلب

وطلب ایمنی از شر دیو و پری   ربیع الاول ذکر وی الله اکبر
و اسم وی یا قادر مقتدر   و عمل وی زیاده کردن آب در
چشمه و کاریز و دفع بلاها و آفات از مزروعات   ربیع الاخر
ذکر وی الله اکبر   و اسم وی یا ارحم الراحمین   و عمل وی حفظ
اطفال و نفع تجارات و سود یافتن از معاملات و غلبه کردن
بر اعادی   جمادی الاول ذکر وی الله اکبر   و اسم وی یا حق
و عمل وی حرز خواهد و طلب اولاد و سیر ولایت و تربیت اطفال
جمادی الاخر ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا مفیظ النور و
عمل وی تحصین بلاد از اعداد دفع زلزلال و قحط و وبا و سایر
بلیات   رجب ذکر وی الله اکبر   و لا اله الا الله بهمین عدد
و اسم وی یا فرد احد   و عمل وی دفع سموم و سحر و تسکین و
دادن خشم و ایمنی از قهر ملوک و زوال خوف   شعبان ذکر وی
الله اکبر و لا اله الا الله بهمین عدد و اسم وی یا علیم یا حفیظ
و عمل وی تاسیس مصالحات و زوال بغض و نرم ساختن
دلهای سخت و اصلاح ستوران   رمضان ذکر وی الله اکبر
و لا اله الا الله بهمین عدد لا حول و لا قوة الا بالله بهمین عدد
و اسم وی یا حی یا قیوم   و عمل وی تقویت حافظه و رفع نسیان
و حفظ علوم و کشف مشکلات و دفع کسل در طاعات   شوال

شوال ذکر وی الله اکبر واسم وی یا منور یا ملهم الرشد
عمل وی طلب مسارف وابق دوام کردن مزات ناشزه و
معاد کلام و قبول در قلوب ذی یقعده ذکر وی الله اکبر
واسم وی یا منعم یا مجمل یا مجر یا مفضل وعمل وی هلاک ظلم
تخریب بیوت و تخلیص مظلوم و نجات محبوس ذالحجه ذکر وی
الله اکبر وسبحان الله بیمین عدد والحمد لله بیمین عدد واسم وی
یا حفیظ یا رقیب یا جیب وعمل وی حفظ اموال از دزدان
وخائنان دراهزنان و محافظت حیوانات عادیه ودفع خوابها
باشد دراختیارات ایام اسابیع الاحد ذکر وی لا اله الا الله
الحی القیوم واسم وی یا حی یا قیوم وعمل وی ساختن عما
عمارات وابتدای اعمال کلیه وطلب الاثنین وذکر وی لا
اله الا الله ذو الجلال والاکرام واسم وی یا رحمن و یا رحیم
عمل وی تهیه اسباب سفر ومعاملات ودفع قطاع الطریق
وایمن از دزدان الثلاثا ذکر وی لا اله الا الله القدوس
الجبار واسم وی یا ملک یا قدوس وعمل وی مناظرات علمی
وکشف حقایق ودفع خصمان ودفع بلیات وآفات الاربعاء
ذکر وی لا اله الا الله الرحمن الرحیم واسم وی یا علی یا عظیم
وعمل وی معالجات بدنیا وساختن ادویه واشربه اشامیدن

ان الخمیس ذکر وی لا اله الا الله هو واسم وی یا کثیر
یا متعال وعمل وی طلب مرادات وحاجات از اکابر طلب
رزق ودفع دست تنگی الجمعه ذکر وی لا اله الا هو هو
الاول والآخر والظاهر والباطن واسم وی یا باقی یا غنی
وعمل وی اجابت جمیع دعوات است وتمام اعمال خیر در وی
معتبر است ونسبت این روز با ایام هفته چون نسبت دلست
بدین وفضایل وی بسیار است السبت ذکر وی لا اله
الا هو والی العاقبه واسم وی یا فتاح یا رزاق عمل وی
در اوایل روز مصالحه بین اثنین در آخر روز حرز اعادی
در اختیارات ایام فاضله واین ایام را اذکار واعمال است
واسماء آن درین اذکار مندرج است وان صفت روزدا بیست
عاشورا ذکر وی لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله
وعمل وی قوت مشی واثبات عزیمت دروقت زوال این روز
محل اجابت دعوت است ودر آن وقت هرکه دعا کند بغرا
اجابت مقرون شود غره رجب ذکر وی سبحان من لا ینبغی
التسبیح الا بحمده وعمل وی طلب فتح ووسعت رزق ودر
مکاید خصم ونکبت دشمن استفتاح ذکر وی ربنا افتح بیننا
وبین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین وعمل وی جستن دفائن

رخسارها در دفع جوع وعطش غرّه رمضان ذکر وی سوره
فاتحه وعمل وی انهزام عدو وتفریق فسقه ومطلع شدن
بر اسرار خفیه عید فطر ذکر وی وَالهکم اله واحد لا اله الا
هُوالرّحمن الرّحیم وعمل وی دفع هموم وغموم وکشف احزان
وطرد شیطان ترویه ذکر وی ربنا اتمم لنا نورنا فاغفر لنا انک
علی کل شی قدیر وعمل وی جمعیت خواطر وبصلاح آوردن
کارها وتنشیط کردن در عبارت عید اضحی ذکر وی الله اکبر من
کلما کبر والحمد لله علی التوفیق وعمل وی هلاک اعدا ورفعت
احباب وحفظ عشایر از آفات

در اختیارات روز عرفه چون موافق یکی از ایام اسابیع افتد
ذکر وی لا اله الا الله الواحد القهار الاحد الفرد الوتر الصمد
الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد واسم وی یا
یا رحمن یا رحیم وعمل وی طلب امان از خوف ونقص وطرد
وافقر وانقلاب دهر ودفع ظلم وغلبه شهوت وجد وجهد
در اکتساب مکارم الاثنین ذکر وی لا اله الا الله جامع
الناس لا ریب فیه واسم وی یا دایم یا قایم یا باعث یا وارث
وعمل وی دفع خوف وخلاصی از مهالک وبازیافتن امانت
وصلح بین الاضداد وغلبه بر خصم اکتساب اخلاق حسنه

الثلثا

الثلثاء ذکر وی لا اله الا الله عظیم الصفات رحمن الارض
والسموات واسم وی یا قادر یا مقتدر وعمل وی تسخیر
ارواح ودفع دشمن وتصرفات کلی در عالم الاربعاء ذکر وی
لا اِله الا الله ذو الطول العظیم والمن القدیم واسم وی
یا جواد وعمل وی دفع شرجن وانس وچشم زخم وزبان بند
وکفایت مهمات وخبر از غایب وحفظ ودایع ونکبت خاسمان
وظالمان الخمیس ذکر وی لا اِله الا الله مجیب لدعوات
ومقیل العثرات واسم وی یا منزل البرکات وعمل وی
محبت دلها ومهابت نزد خلق ودفع وسواس وتوهمات و
تصرفات در امور کل الجمعه ذکر وی لا اِله الا الله ملجاء
المضطرین وَارحم الراحمین واسم وی انکه صلوات فرستد
بحضرت رسالت صلی الله علیه واله وسلم وعمل وی توسع
رزق وتحقیق علوم دنیا فتح کنوز وابقای ذکر جمیل ودفع
سحر وبستن عمارت وتوفیق طاعات السبت ذکر وی
لا اِله الا الله علام الغیوب کاشف الکروب واسم وی
یا ستار العیوب وعمل وی اخفای امور وقوت مشی و
پنهان شدن خصم وخلاص از سجن ومحفوظ ماندن از
سقوط وامثال آن والله اعلم

دراختیارات لیالی ازاسابیع لیلة الاحد ذکروی الحمد
لله قبل کل واحد والحمد لله بعد کل واحد والحمد لله یبقی
ویفنی کل احد واسم وی یا صاحب کل نجوی وعمل وی
خبر یافتن ازمافی الضمیر نایم وجستن دفاین لیلة الاثنین
ذکروی سبحان الله ملاء السموات والارض وملاء العرش
العظیم واسم وی یا مکرم وعمل وی ازاله خوابهای مدهشه
ودیدن خوابهای صحیح لیلة الثلاثا ذکروی الله اکبر ولا
حول ولا قوة الا بالله واسم یا نصیر وعمل وی دفع تدبیرات
خصم ودزدان بدنشان لیلة الاربعا ذکروی سبحان ربی
العظیم واسم وی یا مبدء البرایا عمل وی معالجات عین واذن
ودفع خفقان وذات الریه وشرب ادویه لیلة الخمیس
ذکروی استغفر الله وی واتوب الیه واسم وی یا محب
المحسنین وعمل وی تسهیل مجاهدات وقدرت بر قیام
لیل وتقویت قلوب وارواح لیلة الجمعه ذکروی اللهم
صل علی محمد وآله النبی الامی وآله واسم وی یا مالک
یوم الدین وعمل وی رؤیت حضرت رسالت م در خواب
ومشاهده روحانیات لیلة السبت ذکروی لا اله الا
الله وحده لا شریک له محمد عبده ورسوله واسم وی

یا نو

یا منعم وعمل وی در امور ملک واظهار عجائب حالات
وفهم علوم غریبه
در اختیارات لیالی متبرکه واین لیالی راهمین اذکار
اعمال است چنانچه ایام فاضله واسماء آن نیز دراذکار
مندرج است لیلة غره محرم ذکروی سبحان ذی
الملک والملکوت وعملش دیدن انبیاء وائمة علیهم
السلام درمنام وهرکرا خواهی ازاولیاء وصلحاء اکرام یابند
لیلة الرغائب ذکرش تبارک الله رب العرش العظیم
وعملش طلب قبول جاه وحرمت نزد ملوک ونفاذ امر
ورفعت درجات لیلة المعراج ذکرش لا اله الا هو له
الاسماء الحسنی وعملش احضار روحانیات ودفع وسواس
وخیالات وطرد هوام وسباع لیلة البرات ذکرش سبحان
ربی الاعلی الوهاب وعملش ازاله اخلاق بد چون حقد
وحسد وبخل واکتساب فضایل نفسانی لیلة عید الفطر
ذکرش سبحان الملک القدوس وعملش طلب علوم خفیه و
وسعت رزق واطلاع بر دقایق اعمال غریبه وعجیبه لیلة
عید الاضحی ذکرش الله اکبر الحمد لله وعملش طلب شفا
وحفظ صحت وازاله امراض واوجاع ودفع خوف ووحشت

ودهشت لیلة القدر ذکرش لا اله الا انت سبحانک انی
کنت من الظالمین و واسمش یا علیم یا رقیب یا حفیظ
۵۴ وعملش امیدواریست دولت ومکنت وعمل هائی که
تعلق بمشایخ وارباب مناسب دارد وتسخیر قلوب سلاطین
وافزون شدن ابها وجاه وکاربزرو جمیع اعمال خیر

دراختیارات ساعات منتظمه نهار بقول علمای مشارقه
ومغاربه ونزد ایشان هرساعتی را نامی است ودر هر
ساعت یک عملی مقرر است اما قول مشارقه درساعت
منتظمه نهار ابق است برای اعمال الفت ومحبت نیک است
یانوذ برای دفع چشم زخم است نوذ برای طلسم شکار مرغ وماهی است
سلخ برای دفع حیات وعقارب است سعلک برای دفع سباع ووحوش است
تمور برای خلاص محبوس ومعالجات بدور برای تصرفات ملکی
وصلح ملوک است ببرق برای دفع ظلم ودهر فقر است
بدون برای منافع سفر وایمنی ازدزدان است یمون
برای دخول سلاطین وحکام است جبر برای طلب
اعمال کلیه ومحبت است صیلون برای بستن زبان خصمان
وکشادن نطق است

دراختیارات ساعات منتظمه لیل بقول علما ومشارقه

الحاذم

ومغاربه ونزد ایشان هرساعتی نامیست ودرهریک
عملی مقرراست اما قول مشارقه درساعات منتظمه لیل
خولم است برای عقد اللسان واعمال خیر نیکست نزول برای
اعمال حیوانات آبی است بقورش برای اعمال نارنجات جنین
برای اعمال اکسیر است جبر برای انگیختن سحاب وامطار است
زرد ز برای دیدن مطلوب است درخواب یانوثن برای روا
شدن حب از امرا وسلاطین دیه برای اعمال مزروعات
سقمر برای حفظ امتعه ونفوذ است ملحو برای اعمال لسا
نسبت ملوطقا برای معاملات وتجارات است سنسلم
برای اعمال صبر وسکون ووقار است الفت ومحبت و
صلح دبیل مرادات است

دراختیارات ساعات بر تقسیم ازایام وان نه ساعت است
ساعت از غره محرم برای افتتاح امور وابتدای اعمال خیر است
ساعت اول روز جمعه برای اعمال الفت ومودت ونوشتن
حرزها است ساعت اخر روز جمعه برای طلب قبول حاجات
واحرام است بین الاذان وان خطبه از روز جمعه خواندن اد
ادعیه ماثوره وطلب مغفرت وعافیت است ساعت از اول
از روز عرفه برای طلب فیض صوری ومعنوی است متضرع
وزاری ساعت اخر روز عرفه برای طلب علمی است که از

ان نفع عام منصور باشد ساعت سیم از روز عید اضحی
برای دفع متمردان ورام ساختن سرکشان است ساعت
اوّل روز از عید فطر برای مصالحه و موالفت بین الاضداد
است در مشروطات و محذورات جزئیه خاصه در اجابت دعوات

اما مشروطات وان دوازده است نوزده درجه سرطان یا نه
درجه است سعدی در طالع باید و دیگری در عاشر یا رابع
یا سابع قمر بکوکب العرض سعد متصل باید مشتری یا راس
باید ودران حال اگر راجع بود بهتر قمر از صاحب طالع منصرف
باید بمشتری متصل صاحب وسط سماء ناظر باید به بیت
خود طالع اسماء در وسط باید ناظر بکوکبی که در عاشر بود
کوکب العرض واشرف تا حد شرف با بیت خود باید و بهر
وجه قوی حال باشد مشتری مشرقی باید و زهره مغربی
قمر از مشتری منصرف باید و براس متصل قمر با عطارد باکف
الخضیب که ستاره بعد است و در اجابت دعوات مدخلتی تمام
دارد اگر راس باکف الخضیب بود فی الحال دعا مستجاب شود
اما محذورات ان نیز دوازده است قمر از تحت الشعاع
دور باید قمر از اتصال زحل دور باشد قمر از اتصال مریخ
ساقط باید نشاید که مشتری راجع باشد مگر با راس

نشاید

نشاید که زهره راجع بود نشاید که مشتری بزحل ناظر بود
نشاید که زهره بزحل متصل بود نشاید که مشتری بمریخ ناظر
بود نشاید که زحل باکف الخضیب مقارن یا ناظر مقارن بادی
ناظر بود نشاید که در درجه کف الخضیب بود

مشروطات و محذورات بوجه منافع و مطالب و سایر اعمال
لطیفه اما مشروطات و محذورات بوجه منافع و مطالب و
سایر اعمال لطیفه مشروطات دوازده است طالع برج ذوجسدین
باید ساعت مشتری باید خاصه در شب و روز ساعت زهره
باید خاصه در شب و روزی نظر مشتری بطالع یا صاحب
طالع نظر زهره بطالع باید یا بصاحب طالع در حد و دسعود
باید اصلاح عطارد البته واجب است قمر در اخر یا اول بثور یا
میانه بسنبله باید افتاب مع راس بغایت پسندیده است
قمر در یکی از سعدین خوب است اتصال قمر بمشتری مناسب است
مسعود در اول و در طالع اصلی تمام دارد

اما محذورات وان نیز دوازده است حذر کردن از ساعت
زحل حذر از شب و روز زحل حذر از ساعت مریخ حذر از
شب روز مریخ حذر از نظر زحل بمشتری حذر از نظر زحل
بزهره حذر از نظر مریخ بمشتری حذر از نظر مریخ بزهره حذر

از اتصال عطارد بنحسین حذر از کون زحل از اوتاد حذر از کون مریخ در اوتاد حذر از انکه طالع بروج معوج الطلوع باشد

مشروطات و محذورات برای دفع مضار و مکاره و سایر اعمال قمریه اما مشروطات وان دوازده است طالع برج منقلب و معوج الطلوع باید قمر در برج منقلب شاید نظر یکی از نحسین بقمر لایق است نظر یکی از نحسین بعطارد مناسب است ساعت زحل باید خاصه در شب و روز ساعت مریخ باید و خاصه در شب و روزی نیرین از یکدیگر ساقط باید که بعضی گفته اند که مقابله جایز است طالع در حدود نحسین باید اصطلاح عطارد در جمع اعمال خیر و شر ضرورتست بعضی گفته اند که قمر با راس در اعمال قمریه بغایت نیکست قوت ان کوکب که عمل تعلق بوی دارد صاحب طالع باید که بنحوی که مطلوب است ناظر بود اما محذورات وان نیز دوازده است حذر کند از ساعت مشتری حذر کند از ساعت زهره حذر از شب روز مشتری حذر از روز و شب روز زهره حذر از اتصال سعدین براس حذر از نظر مشتری بزهره حذر از نظر مشتری با قمر حذر از نظر زحل بعطارد حذر از نظر مریخ بعطارد حذر از نظر قمر بعطارد اصطلاح حال عطارد بهمه حال حذر کند

کند از انکه طالع برج مستقیم الطلوع باشد

در اختیارات بر حالات خاصه قمر و اتصال وی بکواکب

اما حالات خاصه قمر وان هشت است نیره برای کشف ارواح و تسخیرات و مهمات و بناها و معاملات نیکست شرف برای طرح عمارات عالیه و یافتن سود ها و مدد رسانیدن بمظلومان مع راس برای سلامتی اسفار و خوبی معاملات و اصلاح حال تاجران و دیدن خوابهای نیکو طریق برای قصد دشمنی و رفع ظلم و تخریب بیوت فسقه و منع ستم و جور هبوط برای هلاک دشمن و خرابی خانهای ظالمان و دفع ایشان مع ذنب برای دفع دزدان و قاطعان طریق و منع لشکر بیگانه از شهر و ولایت منع کند برای قصد دشمن مناسب است دیگر هیچ کار نشاید تحت الشعاع هیچ کار را نشاید

در اختیارات حلول قمر در بروج منازل اما حلول قمر در بروج اعمالی که تعلق بسلاطین دارد و مهم اسفار اعمال تزویج و بناها و بسلاطین اعمال دبیران و اهل فضل اعمال معالجات تصرف در امور ملکی و طلسمات صید و تسخیر سباع مهمات مبایعه و معامله و شرکت و حفظ ودایع

اعمال دین و ملت و میل دادن طبایع بصدق و راستی قصد اعدا و دفع ظلم فسقه و طلسمات عداوت و تفریق تعلم علوم و طلب جودت و صفای باطن مهمات زراعت و قنوات و دفع سحر و اندیشه مکر و غدر بستن عهدها و پیمان و عمارت حصون و حفظ قلاع اعمال خیر و صلاح و مصالحه بین اثنین و طلسمات محبت و مودت

اما حلول قمر در منازل طلسمات دشمنی و اعمال کیمیا و سیمیا ابتدای اعمال و طلب حاجات و معاملات خواندن ادعیه و در دوم در جبر دی حمل محبت بسیار لایق است مهمات ملکی و طلب مال و طلب حرب عمل شر و تخریب و عقد الرجال معالجات و سفر دریا طلب نصرت و مصالحات و دیدن اکابر تفریق و تخریب و دفع سموم و تسلیط قطعیت و عداوت و طلسم طیور بطلان سحر و طلسم حیات و عقارب مهربانی ملوک و صید قلوب و جر منافع عبادت و طاعت و خلوت اولا اعمال روشنی و مهمات ملکی اعمال دشمنی و تفریق اکثر اعمال را شاید خاصه مودت دفع مکاره و ابطال سموم از همه اعمال حذر اولی اعمال خیر و عقد اللسان و عقد الشهوت تسخیر قلاع و نجح حب یا البغض

نیرنجات محبت و دعوات و ابتدای امور دفع ظلم و فسق و ایمنی از خوف اشتغال بذکر و دعای بد بر ظالمان و فاسقان اکثر اعمال را شاید خصوصاً عداوت دفع امراض و سلامتی از آفات و اعراض عمل باران و برف و ایمنی مزروعات و مهمات اسفار و اکثر اعمال اعمال شر و انچه تعلق بحرب دارد اعمال باغ و بستان و چشم و کاریز والله اعلم

اما اختیارات ایام اسابیع یوم الاحد اموری که تعلق بجاه و رفعت و مهمات ملکی دارد یوم الاثنین امور مسافران و خبر یافتن از غایبان و منع دزد یوم الثلثاء اعمال شر و تخریب بیوت ظلمه و تفریق و قطعیت یوم الاربعاء معالجات و دفع امراض و اسقام یوم الخمیس طلب حاجات از اکابر و اشراف یوم الجمعه مهم ازواج و اعمال محبت و مودت یوم السبت امور خفیه و تحصیل اسرار و غیر آن

در اختیارات بر ارباب ساعات و در ایام و لیالی و اختیارات بر ساعات روز و شب کواکب اما اختیارات بر ارباب ساعات از ایام و لیالی الاحد و لیلة الخمیس اول و هشتم شمس است مناسب است اعمال ملوک دوم و نهم زهره است نیک است اعمال مناکحات سیم و دهم عطارد است خوب است تعلیم و تعلم

چهارم و یازدهم قمر راست لایق است اعمال صالح پنجم و دوازدهم
زحل است مناسب است اعمال زراعت ششم مشتری راست
طلب رزق هفتم مریخ است مناسب است مهمات بوده دستور
یوم الاثنین ولیلة الجمعه اول هشتم قمر راست اصلاح امور را
نیك است دویم و نهم زحل راست مناسب است سیم دهم
مشتری است اعمال اشراف لایق است چهارم یازدهم مریخ
است مهم محاربه نیك است پنجم دوازدهم شمس است طلب
رفعت شایسته است ششم زهره است تحصیل سرور و فرح
مناسب است هفتم عطارد است طلب علم را خوبست یوم
الثلثا ولیلة السبت اول هشتم مریخ است تصرف در امور
ملکی لایق است دویم و نهم شمس است رام ساختن ملوك
نیك است سیم دهم زهره است اعمال محبت را شایسته است
چهارم یازدهم عطارد است بدعا طلب حاجات مناسب است
پنجم دوازدهم قمر است عمل مهمات نیکست در نفوس خلق ششم
زحل است مهم محصولات خوبست هفتم مشتری راست
طلب غنا لایق است یوم الاربعاء ولیلة الاحد اول هشتم
عطارد است طلب ربح در معاملات خوبست دویم و نهم قمر
است اصلاح اضداد مناسب است سیم دهم زحل است

کشف حقایق نیك است چهارم یازدهم مشتری است تسخیر
وزراء خوبست پنجم دوازدهم مریخ است عمل زیادتی جرئت
خوبست ششم شمس است طلب زیادتی جاه لایق است هفتم
زهره راست مناسب است طلسم محبت را یوم الخمیس ولیلة
الاثنین اول هشتم مشتری راست بجهت بنوت شایسته است
دویم و نهم مریخ است عمل استیلا بر خصم نیك است سیم دهم
شمس راست دفع قهر ملوك لایق است چهارم یازدهم زحل
راست اعمال صید و شکار لایق است پنجم دوازدهم مشتری را مهمات
ملکی را شایسته یوم السبت ولیلة الاربعاء اول هشتم
زحل است حصول کرامت را مناسب است دویم و نهم مشتری
راست طلب منافع کلیه خوبست سیم و دهم مریخ است عمل تخریب
بیوت نیك است چهارم یازدهم شمس است طلب حاجت از
ملوك خوبست پنجم دوازدهم زهره است عمل دفع سموم شایسته
است ششم عطارد است تسخیر جن را مناسب است هفتم
قمر راست عزم سفر نیکست

اما اختیارات بر ساعت روز و شب کواکب بقول ابی
الطیب تبریزی و این اختیارات بغایت پسندیده است
و نزد علما حروف و طلسمات و دعوات اعتبار تمام دارد

ودر این فن اصلی کلی است وانرا پیوسته متصور باید داشت
وحکما در اخفای این اصل از مردم نااهل مبالغه تمام دارند
روز و شب زحل ساعت زحل مراد جمع از اهل ظلم چنانچه جا
ارام نتواند گرفتن ساعت مشتری عقد النوم و تسلیط و
سواس و ساعت مریخ به خرابی دیار ظالمان و تفریق جمع
ایشان و ساعت شمس ابطال سحر و دفع چشم زخم و ساعت
زهره تکثیر ثمار و خوبی زراعت و ساعت عطارد و تفریق جمعی
از اوطان و ساعت قمر تسلیط مرض بر خصم خصوصاً کوری
روز و شب مشتری ساعت زحل تفریق جمعی که دزد بازایند
و ساعت مشتری طلب معیشت و وسعت رزق و ساعت مریخ
ابطال سحر و دفع خصم و ساعت شمس اتحاد و محبت در قلوب
سلاطین و حکام است ساعت زهره محبت و صلح و پاکی عقیدت
و ساعت عطارد معاینه دیدن اشخاص روحانی و ساعت
قمر طلب فتح و نصرت روز و شب مریخ ساعت زحل انگیختن
خصومات و اعمال قطع ساعت مشتری مهمات و تحریکات
فتن و آفات و ساعت مریخ قتل و هلاک اعداء و ترمید و
تمریض ایشان و ساعت شمس قبول نزد امراء و اهل اختیار
و ساعت زهره مهابت در نظر خلق و ساعت عطارد فتنه

خصومات

و خصومات و ساعت قمر و دفع اعداء و زبان بند ایشان روز
شب شمس ساعت زحل قتل اعداء و غلبه بر اضداد و ساعت
مشتری کفایت کردن شر پادشاهان ظالم و ساعت مریخ از
دیار جبروت و شجاعت و ساعت شمس هیبت در نظر مردمان
و قبول خاطر ملوک و ساعت زهره قبول اجلال و تعظیم
خلق و ساعت عطارد و تمریض اعدا و ارام کردن بنده ساعت
قمر اخراج دفاین و رفع الالام روز شب زهره ساعت زحل
تذلیل زنان سرکشی او ساعت مشتری ادای دین و وسعت
رزق و ساعت مریخ مبتلا کردن بعشق و ساعت شمس اعمال
خواتین محترمه و ساعت زهره طلسمات محبت و اعمال مصالحه
و ساعت عطارد ازدیاد جاه و حرمت انفاذ قول و ساعت
دوستی افکندن میان دو کس روز شب عطارد ساعت زحل
دفع اعداء و غلبه نکبت بر ایشان ساعت مشتری عقد اللسان
بسیار نیکست و ساعت مریخ مرض بر اهل ظلم و فسق و ساعت
شمس اعمال که تعلق باهل دیوان دارد ساعت زهره استخبار
از امر ناهیه و ساعت عطارد معالجات کلیه و رفع الالم و
ساعت قمر مشاهده غیبیات و کشف قبور روز شب قمر
ساعت زحل عقد شهوت و دفع قرب و حیله اعدا ساعت

مشتری میل دادن طبایع عامه بطاعات ساعت مریخ قوت
مباشرت و تحصیل اولاد و ساعت شمس جذب قلوب و استیلا
برخلایق ساعت زهره هیجان محبت و غلبه عشق و مودت
و ساعت عطارد مطیع ساختن جان و تسخیر ارواح و ساعت
قمر اعمال محبت و سرعت نتیجه در آن ا

اما معرفت بیت و وبال کواکب زحل جدی و دلو است
مشتری قوس حوت است مریخ حمل و عقرب است
شمس اسد زهره ثور و میزان است عطارد جوزا سنبله
قمر سرطان و وبال هر کوکب مقابله خانه اوست

اما شرف و هبوط شرف زحل درجه میزان و شرف مشتری
درجه سرطان و شرف مریخ درجه جدی و شرف شمس
درجه حمل و شرف زهره درجه حوت و شرف عطارد
درجه سنبله و شرف قمر درجه ثور و شرف راس
درجه جوزا و شرف ذنب درجه قوس و هبوط هر کوکبی
مقابل شرف است اما فرح وقوع و خیر

بدانکه فرح کواکب و ترح ایشان در طالع و سایر بیوتی باشد
از طالع واقع زحل در دوازدهم است و فرح مشتری در
یازدهم و فرح مریخ در ششم و فرح شمس در نهم و فرح

زهره

زهره در پنجم و فرح عطارد در طالع و فرح قمر در سیم و ترح هر
کوکبی مقابل فرح اوست کوکب نهاری را که زحل و مشتری
و شمس است بروز فوق الارض و بشب تحت الارض و بودن
کواکب لیلی را که مریخ است و زهره و قمر است بروز تحت الارض
و بشب فوق الارض خیر گویند و این سبب قوت کوکب بود اما
معرفت مزاجات و طبایع کواکب مذکر زحل و مشتری و مریخ
و شمس است و کوکب مونث زهره و قمر است

در قسمت حروف بر منازل در کتاب شمس المعارف آورده که
حروف اصلیه بیست هشت است و منازل فلکیه نیز بیست و هشت
است و هر حرفی تعلق بمنزلی دارد و قسمت آن بطریق جمل مغاربه
که نزد علمای حروف معتبر است براین وجه است تعلق شرطین
که دو کوکب است تعلق به بطین دارد که سه کوکب است بثریا
که شش کوکب است بدبران که یک کوکبست بهقعه که سه
کوکب است بهنعه که دو کوکبست بذراع که دو کوکبست
بنثره که دو کوکبست بطرفه که دو کوکبست بجبهه که چهار کوکبست
بزبره که دو کوکبست بصرفه که یک کوکبست بعوا که پنج کوکبست
بسماک که یک کوکب است مهمله بغفر که سه کوکبست بزبانا که
دو کوکبست باکلیل که سه کوکبست بقلب که یک کوکبست

تولد که دوکوکبست نبعایم که چهارکوکبست مجمه سبلده که
مالی است ازکوکب نزاع که دوکوکبست ببلغ که دوکوکبست
بعود دوکوکبست باخبیه که چهار کوکبست مجمه مقدم که دوکوکبست
مجمه نوخر که دوکوکبست مجمه برشان که کمکوکبست
ورذکر اسماء الله که تعلق بحروف بیست و هشت کانه دارد
شیخ ابو عبد الله مغربی در کتاب تیسیر المطالب در بعضی مواضع
برابر حرفی یك اسم تعیین کرده ودو بعضی زیاده یا دوازده اسم
که عامل حروف در اثنای شغل باعمال باید که تذکران اسماء
باشد تا فایده بر عمل منفرج گردد وان اسم برترتیب حروف
جمل اینست که فرموده پنج اسم است الله احد اله اول آخر
هفت اسم است باری باسط باطن باعث بالغ امر
بر بدیع بصیر هفت اسم است جابر جاعل جامع جبار
جبل جواد جلیل چهار اسم است داعی دایم دلیل
دیان دادو اسم است هو از حیثیت باطن وان مناسب
حال منتهی است وهادی از حیثیت ظاهر وان لایق حال
مبتدیست وبعضی گفته اند که اسم وی دراعمال خیر هادی
است ودر اعمال شر مهلك است وادوازده اسم است
واجد واحد وارث واسع وافی والی وتر ودود وفی
وکیل

وکیل ولی وهاب رایك کم است زراع قال الله تعالی
ام نحن الزارعون وبعضی گفته اند ذکی است وصاحب
کتاب درر النظیم اورده است که اسم وی زایل است را
نه اسم است حبیب حفیظ حق حکیم حکم حلیم حمید حنان
حی حنان رایك اسم است مطهر و صاحب در النظیم غیر ازاین
سه اسم دیگر آورده وان طاهر وطالب وطابق است رایك
اسم است یسیر وبعضی گفته اند که اسم وی مخفی از غایب
شدن شوکت که ویراست لهذا در نهایت حرف تهجی افتاده
است وبعد از حرف الی واقع شده است که الف نفی است
بمذهب انها که لا را یکی از حروف داشته اند صاحب درر النظم
فرموده که حرف با اسم اعظم است بزبان عبرانی یواه است
به بار فتح واو مشدده واو بنی اسرائیل تاویل دمی تا این
زمان ندانسته اند داچهار اسم است کافی کبیر کریم کفیل
رایك اسم است لطیف راده اسم است بقول تیسیر المطالب
ماجد مالك مانع مبین مجید ملك ملیك مجیب منان
مهیمن وصاحب درر النظیم آورده ویرا بیست سالم دیگر
هست که مجموع سی سه اسم اینست مبدی متعال متکبر
متین مجیب محصی محیی منال مصور معز معطی مفید

حرف پنجم حا است هم چنین تا اخر حروف چنانچه در جدول

باب هفدهم

دربیان معرفت وصفت لوح مثلث و حروف مزوجات ومفردات وی بدانکه لوح مثلث را در شمار منسوب است بزحل وانرا عمل مائی این فن وقف زحل گویند اگرچه زحل نزد یك همه حکما کینه جو نحس اکبر است اما لوح وی مشتملست براعمال متضاد ان نفع وخیر و شر بعضی از اعمال وی سعادت عظمی احداث کند و بعضی نحوست کبری ایجاد نماید وان لوحی است مشتمل بر نه خانه مستوی الاضلاع ومستوی البیوت وهرخانه مشتمل بر حرفی است از حروف نه گانه مرتبه احاد ا ب ج د ه و ز ح ط ی وعدد این حروف که در بیوت مثلث مرقوم میشود ۴۵ موافق عدد اسم ادم و هرعدد حروف هرضلعی ازین مثلث ۱۵ است مطابق عدد اسم حوا و صورت اصل لوح اینست

د	ط	ب
ج		ز
ح	ا	و

اما معرفت حروف مزوجات و مفردات این لوح بدانکه چهار حرف این لوح از قبیل مزوجات است که آن ب د و ح وانرا بدوح گویند وچهار حرف دیگر از قبیل مفردات است اج ه ز ط

وانرا

واشهرش انستکه اجهزط باشد بواسطه انکه مفرده مثلث این پنج حرف است وانرا طرجا خوانند وحروف مزوجات ازبرای اعمال خیر وحروف مفردات ازبرای اعمال شر وهرگاه که بعضی از بیوت مثلث مشتمل برحروف باشد وبعضی بیوت خالی از مفردات مخصوصه باشد باعمال لطیفه از تالیف و تحریك محبت وقبول قلوب وتسخیر نفوس وکشف ارواح ملك وجن وامثال ان تصرفات کلیه بطریق لطف در عالم وهرگاه که بغرض بیوت این لوح محتوی برحرف مفردات باشد وبعضی بیوت ازمزوجات مخصوص بود باعمال غریبه ازقتل وتدبیر اعدا وتفریق جمیع ظالمان وتخریب منازل ایشان وامثال ان از تاثیرات عظیمه بروجه قهر در عالم باذن الله

درکیفیت رقم حروف دربیوت این لوح وان چنانست که باعمال خیر شغل کیرد وحروف مزوجات را دربیوت مفردات رقم زند یعنی ان بیوت که طرجا دروی مثلث است وان دویم وچهارم وششم وهشتم است چنانچه ازلوح مثلث که در فصل سابق مرقوم است معلوم میشود وصورتش اینست اگر باشکال حرفی ارقام عددی نیز نوشته شود ابلغ بود واگر باعمال شر مشغول

	ب	
د		د
	ح	

شود حروف مفردات را در بیوت مزدجات ثبت نماید یعنی
این بیوت که حروف بدوح دروی مرقوم است وان اول و ۳
و ۵ و ۷ و ۹ است چنانچه در فصل گذشته از لوح مثلث

ج		ا
	ه	
ط		ز

مفهوم میگردد و صورت اینست
اما رقم زدن حرفها در بیت وسط
این لوح مقرراست واگرچه این حرف
در نفس الامر از قبیل حروف مفردات است ان مشترک است
میان اعمال مزدجات و مفردات و مخصوص هیچکدام نیست
وعدد وی پنج است وخانه وی نیز بهجت واین خانه اصلی
اوست چنانچه در لوح مزدجات هشتم خانه اصلی ح است
که عدد وی هشت است ودر لوح مفردات نهم خانه اصلی
ط است که عدد وی نه است واز این جهت که خانه پنجم در
وسط لوح واقعست انرا قلب لوح گویند وان خانه بسیار
مبارک است ولهذا اسم طالب واسم مطلوب ومادرش
ان خانه است در جمیع اعمال خیر وشر اما رقم زدن کلمات
واسماء بر خارج این لوح وان چنان است که چهار کلمه از
کلمات قران بر اضلاع اربعه این لوح باید نوشت وان
کلمات اینست ۱ قوله ۲ الحق ۳ وله ۴ الملك

قوله

الحق — الملك

وابو الحامد الغزالی فرموده است
که اگر این کلمات شریفه اربعه را
بوجهی بنویسند که هر یك بجای ضلع
از اضلاع اربعه این لوح بنویسند بغایت
پسندیده باشد در حصول مقصود ووصول بمطالب عظیم
نافع بود وبغایت سریع التجیر باشد وصورتش اینست

قوله

نوشته‌اند که در هر کلمه از کلمات اربعه
مذکوره ملکی مقرب موکل است که
اسم وی بان کلمه باید نوشت اما
بر کلمه قوله که اشاره بامر ونهی الهی است جبرئیل موکل است
ونام وی بالای این کلمه است که ضلع اوست باید نوشت
اما بر کلمه الحق که اشارت بموت است وان احق حقایق است
عزرائیل موکل است ونام وی بالای ان کلمه که ضلع اوست
باید نوشت اما بر کلمه وله که کتابت از ملك وخزانه وعطا
وبسط رزق الهی میکائیل موکل است ونام وی بالای این
کلمه که ضلع سیم است ثبت باید نمود اما بر کلمه الملك که عبارت
از مضمون الملك یومئذ لله است اسرافیل علیه السلام
موکل است ونام وی بالای این کلمه که ضلع چهارم است

رقم باید زد و پوشیده نماند که جبرائیل و میکائیل ع خادم
است از ملائکه مقربین که اسم وی اشمکائیل است و این اسم را
برضلع این لوح میان اسم اسرافیل و جبرائیل باید نوشت
و عزرائیل و میکائیل را ع خادمی است از فرشتگان مقرب
که نام وی توائیل است و این نام برضلع اسیر لوح بد
میان اسم میکائیل عزرائیل کتابت باید کرد و کهیعص
را بر یمین لوح و حروف حمعسق بر یسار لوح رقم باید
زد چنانچه احاطه مجموع کلمات و اسما کند بر این صورت
که نموده میشود اینست
در قرائت و کتابت محبت
و عداوت این لوح اما
قرائت بکتابت اما عزیمت
بدانکه این وقف شریف
را عزیمتی است در کتابت
اسماء الله که از هر عملی
از اعمال مزوجات و مفردات البقره ۴۵ بار تلاوت کند
بعد حروف این لوح و بعد از تلاوت در اول و آخر هر اسمی
ان حروف را علیحده باید گفت و ایت عزیمت اینست

كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ
هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ
مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا
أَحْضَرَتْ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ص ص ص
وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ
ق وکیفیت تلاوت این پنج ایت بکیفیتی خاص مذکور
خواهد شد بعد از این اما قرائت و کتابت ایات محبت
و عداوت و آن چنان است که در اعمال مزوجات بعد از
اتمام ایت وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي و ایه يُحِبُّونَهُمْ
كَحُبِّ اللهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ و ایه يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ
و ایت قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا و امثال از ا تلاوت باید نمود
خصوصا ایت اول را که البقره بیست بار باید خواند و بعد
از آن بر ظهر معمول نیز باید نوشت و در اعمال مفردات
بعد از اتمام ایت وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ و
بعضی از سوره زلزال را و ایت فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ
ظَلَمُوا و امثال از ا قرائت باید کرد خصوصا ایت اول را
که البقره بیست بار باید خواند و بعد از آن بر ظهر لوح نیز

کتابت باید کردن و در اثنای بعض از اعمال مزجات و
مفردات سور و آیات غیر از انچه مذکور شد که تلاوت
و کتابت باید نمود را اشارتی بان خواهند رفت

باب هجدهم

در بیان اسماء ملائکه ایام صاحب سر المصون
فرموده است بر هر روز از ایام هفته دو فرشته مقرب
موکلند یکی علوی سماوی و دیگری سفلی ارضی و عامل
این لوح را لازم است که در هر روزی که بعمل از اعمال
مزجات و مفردات شغل کیرد اول از ان دو فرشته بنیاز
تمام استمداد و استعانت جوید و بعد از اتمام عمل اسم ایشان را
در ذیل معمول یا بر ظهر لوح نیز رقم زند تا ببرکت التفات
ایشان مقصود باسیر وجوه میسر کردد.
ملک علوی ان روقائیل است بقاف در بعضی نسخها
بقان و ملک سفلی ان ابو عبد الله المذهب یوم الاثنین
ملک علوی ان جبرئیل است و ملک سفلی ان ابو عبد الله
الحارث   ملک علوی ان سلسائیل است و ملک
سفلی ان ابو الاحمر   ملک علوی ان میکائیل است
و ملک سفلی ان دو نام دارد دو بعد و برقان

ملک

ملک علوی ان صرفائیل است بقاف و در بعضی نسخها بقاف
و ملک سفلی ان السید شمهورش   ملک علوی ان عنیائیل
است و ملک سفلی ان شیخ عبد الرحمن و لقب وی
ابیض   ملک علوی ان کسفائیل است بقاف در بعضی نسخها
بقاف و ملک سفلی ان ابو نوح میمون السحابی   اما کواکب
ایام بدانکه هر حرفی از حروف این لوح منسوب است
بکوکبی از کواکب سبعه و هر کوکبی منسوب است بروزی
از روزهای هفته پس عامل در هر روزی که عمل خواهد
کرد باید ملاحظه سعادت و نحوست ان روز و ان کواکب
را لازم داند اگر عمل وی از قبیل مزجات است روزی
سعد بنظرات سعد اختیار کند و اگر از قبیل مفردات
است روز نحس باتصالات نحوست انگیز اختیار نماید
و نسبت حروف و کواکب و ایام با یکدیگر برین وجه است
تعلق بزحل بروز یکشنبه دارد و یکشنبه منسوب بافتاب
است   تعلق مشتری بروز دوشنبه دارد و منسوب بقمر
است   تعلق بمریخ دارد و بروز سه شنبه و منسوب بمریخ است
تعلق شمس دارد و روز چهارشنبه منسوب بعطارد است
تعلق بزهره دارد بروز پنجشنبه دارد منسوب بمشتری است

تعلق بعطارد دارد و بروز جمعه وجمعه منسوب است بزهره
تعلق بقمر دارد و بروز شنبه و در و شنبه منسوب بزحل است
تعلق براس و بروز یکشنبه دارد و منسوب بافتاب است
چنانچه گذشت تعلق بذنب دارد و بروز سه شنبه دارد
و سه شنبه منسوب بمریخ است چنانچه مذکور شد
اما حروف واشکال ایام بدانکه همچنانکه برای روزهای
هفته اعوان علوی و سفلی متعین است حروف و اشکال
نیز مقرر است که در هر روزی که عامل بعمل مشغول گیرد
در ذیل معمول حروف و اشکال انروز را رقم زند که او را
در قرین اثار مدخل تمام است و ان اینست

لحهح لا ه ◻ | بحر محر ┼ بحه { I آحلت
ر آ ح ┼ ههه { ط ح آ ا صلا سحر که
◻ هلا طله ط لا حح { دسع ههی ی حو
له حح ◻ لا ┼ در ذکر عدد حروف مقطوعه و
خواص ان بر سبیل اجمال صاحب کتاب درالنظیم آورده
که بعضی عارفان گفته اند که حروف مقطعه قرانی کلمه هشت
و هشت حروف است و ان اینست الم الم الم المص
المرا المرا الر الر الر الو الو کهیعص طه طسم
حم

طس طسم الم الم الم المر یس ص حم حم حم
عسق حم حم حم حم حم ق ن صاحب درالنظیم از
ابوحامد محمد غزالی نقل کرده فرموده که بعضی عارفانرا
در موصل یافتم که با وی حروف مقطعه قرانی همراه بود ازوی
سؤال کردم که این چیست فرمود که برکات این حروف بر این
ظاهر شده است و از جمله انستکه همیشه حق سبحانه وتعالی مرا
از آفات و بلیات بواسطه حمل این کلمات محفوظ میدارد و روزی
مرا گشاده میدارد و اگر حاجتی میخواهم بی انتظار بغیر اجابت
میرساند و مرا از دشمنان حمایت میکند و از گزیدن مار
و کژدم و ضرر سباع و حشرات ضابط میکند و نگاه میدارد
و چون بسفر میروم این کلمات را در وقت وداع بر اهل
و اولاد میخوانم وخدای تعالی مرا بصحت رفته بوطن میرساند
و در خواص این تمیمی اورده که هر که مجموع اوایل حروف
سور قران را بر نگین نقره یا عقیق نقش کند در ساعت
سعد بان تختم کند مقبول و محبوب قلوب گردد و صاحب
درالنظیم اورده که اگر نقاش روز پنجشنبه و جمعه روزه بدارد
و در ساعت اول روز ان حروف را نقش کند در ان وقت
غسل کرده باشد و جامه پاک پوشیده و بخور الملق سوخته

…ر اینه تاثیر وقوت وی در انچه مذکور شد زیاده خواهد بود
…ائده بیشتر خواهد نمود والله اعلم

…ر خواص دو نقره کهیعص حمعسق بایکدیگر صاحب درر
النظیم آورده که شیخ نصیر الدین بونی رحمه الله فرموده که هر
…ه ترسان بود از مری ودران حال بگوید کهیعص حمعسق
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم از انچه میترسد ایمن
…شود واین معنی بکرات ومرات ازموده شده مجرب و
…صحیح وهم صاحب درر النظیم آورده که پنج آیت است که منافع
…وائد ان از حد حصر متجاوز است واز انجمله انستکه هر که انرا
…لاوت کند در حالیکه در اید بر جباری عنید وحاکم که از طریق
…صلاح بعید بود وشر وی کفایت شود لیکن کیفیت قرائت
…ان ایات چنانست که عقد اصابع می کند در حروف
…کهیعص که در اوایل این ایات واقع است پس عقد
…ابهام یمنی کند وبگوید كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ
…نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ پس عقد ابهام
…یسری کند وبگوید بعد ازان عقد مسبحه یمنی کند بگوید
…هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ پس عقد
…مسبحه یسری کند وبگوید بعد ازان عقد وسطی یمنی
کند

کند وبخواند يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ
مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ پس عقد وسطی
یسری کند وبگوید بعد ازان خنصر یمنی کند وبگوید
عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ
پس عقد خنصر یسرا کند وبگوید بعد ازان عقد خنصر یمنی
کند وبگوید وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَ
شِقَاقٍ پس عقد بنصر یسری کند وبگوید وبعد از اتمام
این عمل بران باره شاه غیور یا ظالم جابر در اید ازان
جبار ظالم هیچ ضرری بوی نرسد بسلامت وکرامت از
پیش وی بیرون اید صاحب درر النظیم از ابو حامد محمد
غزالی روایت کرده که وی فرموده که چون اغنیای صحابه
رضی الله عنهم برسم تجارت بیرون میرفتند واگر راه دشمنی
از قطاع الطریق یا سباع ضاره بپیش میامدند کفتند
اللّهم احفظ امة محمد صلعم بالنصر والتایید بالمص
وکهیعص وحمعسق ون والقرآن المجید ون و
والقلم وما یسطرون ضرران دشمن بایشان نمیرسد
ابن تمیمی اورده که هر که الم را از بقره تا هم المفلحون

والم الله لا اله الا هو الحی القیوم المص کهیعص
طسم طه یس ص حم حمعسق حم تنزیل الکتاب من الله
العزیز العلیم ق ن این مجموع را با سوره فاتحه بر ورق آهو
بنویسد بمشک و زعفران و گلاب در شب جمعه چهاردهم
یا پانزدهم از هر ماه که باشد بعد از نماز خفتن و آن نوشته
را در غلافی نهد از نی فارسی که یکطرف وی بند باشد و
سر دیگر وی را بموم کافوری بند کند پس هرگاه که آن نی را
بر بازوی راست بندد و با طهارت کامل و لباس لطیف
عزت و مهابت و قبول وی در نظرها بسیار شود و باطن
وی قوت گیرد و دل وی ثابت و مطمئن گردد و دلیر شود
و هیبت عظیم از وی در خاطرها سرایت کند و اگر فقیر بود
غنی شود و اگر محزون بود مسرور گردد و اگر آن نی را بر
طفلی بندند که از چیزها در خواب و بیداری ترسد و
بسیار میگوید آن گریه از وی زایل شود باذن الله تعالی
صاحب درر النظیم آورده که هر که حروف الم الم المص
المر کهیعص طه طسم طس یس ص حم حمعسق
ق ن را بر خاتم نقره نقش کند روز پنجشنبه اول رجب
و آنرا در انگشت کند اگر خایف بود از جباری و ظالمی ایمن
شود و حامل این خاتم اگر بر سلطان در آید منظر وی

بزرگ

بزرگ نماید و مهابت وی در دل سلطان اثر کند و هر مراد
که از وی خواهد بتوقف برآید و هر که این خاتم را در دهان
گیرد و بمکد سیراب شود و آن عطش از وی زایل گردد و آن
خاتم را یکشبانه روز در دهان گیرد بمکد سیراب شود و آن
عطش زایل شود و آن خاتم را یکشبانه روز در آب باران
گذارد و بعد از آن ناشتا بیاشامد قوت حافظه وی بیفزاید
و اگر معزول بر آن مداومت نماید برای وی عملی و شغلی
پیدا شود و حاجت تصرف کرده و اگر زن حامله آن شود
زود بشوهر رسد و اگر آنرا بر مصروع بندد افاقت یابد
از شیخ شرف الدین ابو العباس بونی رحمة الله نقل کرده است
صاحب درر النظیم که هر کسی که کتابت کند بر ورق آهو بره
در شب جمعه چهارم از ماه که باشد بعد از نماز خفتن بگلاب
و زعفران الم بقره را تا هم المفلحون و الم آل عمران را
تا الفرقان و المص اعراف را تا للمؤمنین و المر رعد را
تا لا یؤمنون و کهیعص را طس را تا مبین و طسم را
تا المبین و یس را تا الحکیم و ص را تا شقاق و حم مؤمن را
تا النصیر و حمعسق را تا الحکیم و ق را المجید و ن تا عظیم
پس آن نوشته را در میان آبنوی نهد از نی فارسی

انرا در میان مومی گیرد که شمع شرای عروسی گرفته باشند
وقطعه ادیم برگرد وی بپیچد بر بازوی راست بندد باطن
وی قوی شود ودل وی شجاع گردد ومهابت وعظمت
در سایر قلوب اعدا مستولی شود وقبول تمام وی را در
قلوب جمیع مردمان پیدا شود واگر فقر وفاقه وی را دریافته
باشد غنی وتوانگر گردد وازجائی که خوف وترسی داشته
باشد ایمن گردد واگر از سحر که در حق وی کرده باشند
باطل شود از بند وزندان بروزی رهائی یابد وان باده
جنون تمام از دماغ وی بیرون رود واگر وام دارد حق تعالی
قضاء دین وی کرده واگر مهموم ومغموم بود خدا یتعالی فرجی
ومخرجی روزی گرداند واگر مسافر بود بسلامت مراجعت
نماید واگر زنی بی شوهر انرا با خود نگاه دارد ودایم بر
طهارت بدن ولطافت لباس حق سبحانه وی را شوهری
گرامی لطیف کند وان شوهر را بوی راغب ومایل گرداند
واگر از کانی بیاوزند خریدار متاع وی بسیار شود واگر
بر سر حامی اویزند مردم انجا ازدحام کنند واگر بر طفل بندند
از جمیع افات ایمن شود از شر جن وانس مصون باشد وعلی
الجمله حامل وی هر دعا که کند مقرون باجابت شود من حرز

الامان

الامان هرکه این صورت را بمشک وزعفران وشنجرف و
گلاب بنویسد وقت طلوع افتاب روز یکشنبه با خود نگاه
دارد اطفای غضب عامل وغضب معمول له کند وازما بین
اصلاح شود وکدورت معمول ونفاق از میان برخیزد و
هرکه این شکل را با خود نگاه دارد ابواب رزق مفتوح شود
از افات وفتن خاصه از مرك مفاجات ایمن گردد اگر این شکل
را بر نگین ذهب نقش کند در وقت شرف افتاب در خواص
که مذکور شد فعل وی قوی بود وتاثیر عظیم کند

در ایجاد محبت ومودت در
قلوب صاحب سر المصون
آورده که هرکه لوح مثلث
را بنك سوزن فولاد بر
سی مود ودر خوش بوی
درست نقش کند بتمام وکمال

ااااااااااااااا
الله الله الله الله الله
الله الله الله الله الله الله
الله جمیل جمیل جمیل جمیل
جمیل جمیل رحمن رحمن رحمن
نور نور نور نور مؤمن مؤمن

مشحون بحروف مزدجات اعنی بدوح وخالی از حروف معزوات
اعنی طزجا با کلمات اربعه قوله الحق وله الملك وباحروف
عشره کهیعص وحمعسق واسماء ملائکه واسماء ملائکه
علوی سفلی از روز واشکال از روز وحروفهارا باسم مطلوب
ومادرش در قلب نویسند همان نوك سوزن بر وجهی و

و دران نك پنج این عزیمت را چهل پنج بار و آیت محبت را بیست
بار بخواند و بران لوح نقش کند و اگر ان لوح را بتمام و کمال
شکر نویسد هم روا بود پس اتمام نماید که انکس که مراد او
است ان سیب را بو کند و بخورد اب ان شکر را تناول نماید
اثر عظیم ظاهر شود از محبت عامل در دل معمول و اگر کسی
لوح مثلث را تمام و کمال چنانچه گذشت بر ظرف چینی
نویسد پس دست راست خود را دو شنبه بر طهارت کامل
بودبان آب پاك دران ظرف راید باین اب لوح را محو سازد
و سعی تمام که معمول ان آب را بیاشامد بر وجهی رود که یك
طرفة العین معامل نتواند بود از غایت محبت و الفت
در الغای درش مفرط که بسر حد جنون رساند صاحب
سر المصون آورده که کسی هفت قطعه نان هفت بار لوح
مثلث را بنویسد با حروف مزوجات و ارقام عددی ایشان
لیکن خالی از حروف عشره و کلمات اربعه قرانی و اسماء
ملائکه اما حروف ها را در قلب رقم زند با اسم طالب
و مطلوب و مادرش

حروف مزوجات

	ب	
و		د
	ح	

حروف مفردات

ج		ا
	ه	
ط		ز

و آیت عزیمت را چهل
پنج بار بران لوح خواند

و اسماء آن ملائکه که امروز را نام برد و از ایشان استعانت جوید
بعد از ان در ظهر لوح از ان الواح سبعه کلمه از این کلمات
سبعه کتابت کند و اگر مطلوب زنی بود این هفت قطعه نان را
بخورد سك ماده دهد و اگر مرد باشد بخورد سك نر دهد
تا عجایب بیند و ان کلمات اینست

صحا ١ — صله ٢ — طلعا ٣ — سمحایا ٤ — مراسهی ٥ — نعسلا ٦ — هملعه ٧

٢ و اگر کسی بگیرد هفت برگ زیتون از هفت درخت و اگر زیتون
نباشد سنجد و بر هر یك لوح مزوجات را بانچه نوشته است
غیر حروف عشره و کلمات اربعه و اسماء ملائکه بنویسد و انچه
خواندنی است از آیات عزیمت و محبت بروی خواند و نام اسماء
اعوان امروز بروز ایشان استمداد جوید بران برگها نوشته
را بجوید و جلب و برك سداب دارد و در این محل یکی از اسم
یا قریب یا سریع را مشغول گردد بعدد حروف مکتوبه با مبسوطه
برایشان بخواند و بعد از ان برگها را در شب تار تنها
چنانچه هیچ احدی بران اطلاع نیابد روز در گلخن حمامی
که آتش میکنند بیفکنند بران تا امور عجیبه غریبه در محبت
٢ ارباب معمول دریابد در ازدیاد محبت مفرط در
نفوس صاحب سر المصون آورده که هرکه خاتم مبارك

مبارک را بر هفت ورق بنویسد خالی از حروف وایات و اسماء لیکن ایات عزیمه را چهل و پنج بار وایت محبت بیست بار بران نوشته خواند وایت وَاَتُوهُمْ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ را نیز بیست بار تلاوت کند و بمسطکی ومیعه وغیره بخور کند پس در هر شبی یک ورق را از معمول بر اتش نهد در منزل خالی که هیچ احدی را بران اطلاع نباشد چون هفت روز بکذرد ان هفت ورق بسوزد مقصود بوجه اتم بحصول پیوندد واکر کسی بکیرد رقعه از پیرهن مطلوب که برتن وی شده باشد وعرق وی بران رفته لوح مثلث را بحروف مزدجات رقم زند خالی از حروف عشره وکلمات اربعه واسماء ملائکه پس ایات ایات عزیمت ومحبت را بعددی که مکرر مذکور شد بران لوح خواند ودر ذیل ان شکل مستطیل بکشد بران صورت که در اخر این فصل مرقوم میشود وحروف مزدجات را هم بهیات اخرف دوم بصورت رقمی دران شکل رقم زند وایات محبت وعزیمت را بعدد مقرر بران شکل نیز بخوانند وایات وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا الی قوله صَعِقًا وایت اَتَیٰ اَمْرُ اللّٰهِ وایت وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَٰكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ

للجبل

لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا وایت يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنْتَقِمُونَ را بیست بار بران لوح شکل مستطیل خواند واین عمل روز یکشنبه کنند وملک علوی وسفلی انروز را محافظت ساخته از ایشان استعانت جوید وبعد از ان ایت توکل یا ابا نوح میمون السحابی وانت یا صاحب هذا الیوم الملک حصقیائیل بتهییج فلان بن فلان علی حب فلان بن فلانه پس ان رقعه را فتیله سازد ودر چراغ دان سبز نو نهد وپر از روغن زیتون برافروزد وروی بمنزل مطلوب ودر حال سوختن ان فتیله هم تلاوت ایات عزیمت ومحبت و عدد مذکور مشغول کند تا ان فتیله سوخته کردد مراد باطبق وجوه حاصل شود واکر در حصول مقصود تاخیر واقع شود باز عمل از سر کیرد تا سه بار البته مراد حاصل شود باذن الله تعالی وصورت شکل مستطیل اینست

ایضًا اکر کسی لوح مزدجات را خالی از حروف عشره

۲ عو دح بد دح ب دح
۲۸ ع ۴ بد دح دد د

وکلمات اربعه واسماء سبعه ملائکه برخرقه که از جامه درونی مطلوب کرفته باشد بمشک وزعفران وکلاب بان لوح این

حروف وکلمات وطلسمات را رقم زند
د د ر ر د د ر ن و و و و ر د ر د د عکند
عوعمر هـوه هم هم د د و مصمه الا با الهجوا

العجل العجل هی هی ها هیا عجل عجل

پس ایات عزیمت و محبت را بعدد معلوم تلاوت کند وبعد از قرائت بگوید هیجوا واسرعوا قلب فلانه بنت فلانه علی حب فلان بن فلانه الوحا الوحا العجل الساعه الساعه بعد از ان اخرقه را بسوزاند تا عجایب وغرایب ملاحظه نماید

باب نوزدهم

در بیان ناسازه کاری بین زن وشوهر باین قرار است
اگر زنی ومردی ناسازه کار باشند بنویسند در ساعت معین ودر آتش اندازند سازکار شوند ااااا م ۲ ااا

ایضاً اگر این حروف را بنویسد در استانه خانه هرکس که میان زن وشوهر ناسازکاری باشد دفن کند البته باهم خوب شوند لا دلا وح طع سعصعصه منهبه
صح صح صح بلعس صمه مه مه

با

باسم فلانه ۲ فلان ایضاً نوع دیگر اگر زن شوهر را دوست ندارد این تعویذ را بنویسد ودر آب بشوید وبخورد وی دهد شوهر خود را دوست دارد لزن ۷
ص ص ص سسم ح ل لم لم لم لمر لمر د اا ب اا
اا و و و و و س س س س س س س س
باسم فلانه ۲ فلان مجـد و ا لا ا و ب

ایضاً دیگر اگر زن با شوهر ناسازکار باشند این دعا را در بازوی راست بند د مـه بع و د د ره طلح طه فاحد باقی بحق کهیعص لزن ۸

نوع دیگر اگر میان زن وشوهر ناسازکاری باشد لزن ۹
اینرا دعا را با مشک وزعفران بنویسد بخورد وی دهد
بسم الله الرحمن الرحیم انّ الذین آمنوا وعملوا الصالحات انّ لهم جنات تجری من تحتها الانهار رزقوا منها من ثمرةٍ رزقاً قالوا هذا الذی رزقنا من قبل واُتوا به متشابها ولهم فیها ازواج مطهرة ولهم فیها خالدون

نوع دیگر بین زن وشوهر که باهم نسازند بنویسد لزن ۱۰
این طلسم را در بازوی خود ببندد واگر کناه از جا نب

…باشد زن نگاه دارد واگر گناه از جانب زن باشد مرد
…گاه دارد ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا
…والی الی الی الی الی الی الی الی الی نه نه نه نه
…ه نه نه نه عطری المسوس باسم فم ۲ فم من حب فم
…نوع دیگر هرگاه میان زن وشوهر مخالفت باشد از موم
…زرد دو صورت بسازد وبر سینه صورت مرد نقش کند
…پس آیات بر پوست آهو نویسد وانرا در میان هر دو صورت
…گذارد هر دو را رو برو نهد در زیر درخت میوه دار دفن
…کند میان زن وشوهر مخالفت بر طرف شود اینست
ثم قست قلوبکم من بعد ذالک فهی کالحجارة او اشد
قسوة وان لما یتفجر منه الانهار وان منها لما یهبط
من خشیة الله وما الله بغافل عما تعملون هل اتی
علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئا مذکورا
انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتلیه فجعلناه
سمیعا بصیرا چون این آیه را بگلاب ومشک وزعفران
بنویسد وبشوید وبکسی دهد که اورا با زن خود میل نباشد
میان ایشان محبت بدرجه کمال واقع شود وهرگز طلاق
واقع نشود نوع دیگر اگر زنی از مردی یا مردی از زنی
رنـ

رنجیده باشد این آیه را داخل خوردنی نموده بآن مرد بدهند
مطیع شود البته هو هذا رب قد آتیتنی من الملک وعلمتنی
من تاویل الاحادیث فاطر السموات والارض انت ولیی
فی الدنیا والآخرة توفنی مسلما والحقنی بالصالحین
۱۳ در اعمال محبت بقاعده که در سر مکتوم نوشته آنستکه صورتی
بوزنات از موم باید ساخت وبا بریشم سفید از سه پایه چوب
۷۲ باشد باید آویخت وعزیمتی که مذکور میشود بر قرطاسی
باید نوشت که بر سینه صورت نهند ودر زیر سه پایه منقل ازرق
وکندر کرمانی ومشک بخور کنند ودر جای دیگر بخور باین
ترتیب که مشک وزعفران ریشه عود قماری بهر نقد برهمان
عزیمتی که بر قرطاس نوشته اند باید خواند وعلامت اجابت
عمل آنستکه صورت متحرک شود چون صورت متحرک شد از
سه پایه باید برداشت در لفافه پاک پیچیده در جائی پاکیزه
که اندک حرارتی بآن برسد دفن باید کرد واما نه بوجهی که
از حرارت ۲۷۱۴۷۴ والا عمل باطل میشود اینست
بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا ابا اللیث ویا ابا معتصم
ویا ابا قرده ویا ابا مالک ویا ابا لوش بالله الذی لا اله
الا هو الحی القیوم وعنت الوجوه وخضعت له الرقاب

خشعت له الاصوات وجلت له القلوب وذلت له الخلائق
ومن له العرش وقام بامره الروح وانقادت له الجن والانس
والشیاطین والارواح وادعنت له المردة وتضعضعت
له العفاریت وله الخذومون وتعبد له المتعبدون کلهم
انا اجیبونی واطیعونی بما امرکم به بعزیمتی وکتابی هو کتاب
الله وانه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من
خلفه تنزیل من حمید حکیم وعزمت علیکم بعزیمة التی فرق
کل عزیمة العجل العجل الساعة الساعة عز بعزت من اراد
شیئا ان یقول له کن فیکون و بقدرته من بیده ملکوت
والیه ترجعون و عزمت علیکم بعزیمت محمد بن عبد الله
بن عبد المطلب صلی الله علیه واله وسلم وعزمت علیکم
بعزیمت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ع وعزمت علیکم
بعزیمت سلیمان بن داود علیه السلام عزمت علیکم یا اردوس
الزوابع بحق شمعون وبحق اهیا شراهیا اذونای اصباوث
الشدای عزمت علیکم بعزیمة الله الغلاظ الشداد تدوس
تدوس جبرئیل و میکائیل من فوقکم وجعلنا بینکم وبین الجنة
انهم لمحضرون اینما تکونوا فی بر او بحر او فی البلاد والبقاع
اینما کنتم یات الله جمیعا ان الله علی کل شئ قدیر عجل

عجلوا

عجلوا وتهیجوا ارواحانیة المحبة فی جوف وقلب فم ۲ م علی
حب ۲ ۲ م هیا هیا عجلوا عجلوا بحق ربنا وربکم الرب
الملك الجبار العزیز القهار وصلی الله علی نبینا محمد واله
الطاهرین درتم مرغوش بکوین مرغوش بخرس
تفوض ادرموهاضولاع دولاع رددرطولاح تمراسماد
عمرثا سقیحها سطیحح یامن سلیحوثا ومن شنیف و
محطف یاعجوری یا طیفالق یا سطیع یا غنغ یا طلموخ
یاعالی یاروائی ۱۱ هلقیح یا منتصر یا فرق یا نبح یا
سفمونی یاسلطلیح یا معدونیا یا درموها تموا
فائده کنز الاسرار اسناد دعای قریبا ابن نسخه باسناد کنز ۱۱
صحیح آمده است و بسیار فایده دارد و عجایبها از این
نسخه پیدا شده ومیشود و این دعا اسم فرشته کان مقرب
است و هرکسی که این دعا اعتقاد نکند کافر و عاصی گردید
و باید که ازین دعا را نوشته با خود نگاه دارد که فواید و
منافع بسیار دارد و از آن جمله شانزده خواص بقلم آمده
یادارنده و خواننده این اسماء مبارك از فواید و منافع
ان با خبر گردند اول انکه دوری بکلاب که دعا را با ان

ه باشند بشویند وخشك نكند وبكذارد كه بروی انكس
شك شود هركسی كه اورا ببیند دوست و مهربان وی شود
ردم انستكه هر كس این دعا را بخواند وباخود دارد دشمن
ردی ظفر نیابد چهارم انكه اگر خواهد در میان مردم باهیبت
وباصلابت باشد بر پوست شیر یا كرك بنویسد ودر بازوی
روی خود ببندد كه باصلابت وهیبت باشد ششم انكه هر كه مقدم
هركاه بر پوست اهو بنویسد وباخود نكاه دارد در نزد
مردم خواص وعوام عزیز ومكرم باشد پنجم انكه هر كسی بر
پادشاه وسلاطین حاجتی داشته باشد این دعا را بدان
نیت بر پوست اهو بنویسد وباخود دارد مراد او حاصل
شود ششم اكر خواهد دشمنی را برطرف كند نیمه شب
بگورستان رود ودر میان دو گور بنشیند بنیت هلاك دشمن
بیست وچهار بار بخواند انشمن هلاك شود هفتم اگر كسی
خواهد كسی را از عشق خود بیقرار كرداند هفت بار مشك
بگیرد به نیت انكس بر هر باره یكبار بخواند دو بر اتش اندازد
واگر صد فرسنك دور باشد خود را برساند وبیاید هشتم
انكه اكر كسی روزكار بمراد او نباشد ودر محنت باشد
چهل روز یا چهل شب هر روز چهل بار بخواند به نیت دولت

دولت

دولت چندان نعمت ودولت بروی جمع شود كه حسابش
نداند نهم اكر شهری را لشكر اعدا فرو كرفته باشد یازده ۹
اسپند بردارد و هفت بار بران بخواند وان تخم در دور
حصار در زیر كل پنهان كند واستعانت از اهل ایمان بطلب
ان لشكر دشمن بهزیمت بروند بفرمان خدا دهم انكه ۱۰
هركاه این دعا را بنویسد وباخود نكاه دارد زبان چهار ركن
عالم از بدی بروی بسته كردد یازدهم انكه اكر كسی را ۱۱
ارواح خبیثه زده باشد این دعا را بمشك وزعفران بر قدح
سفید بنویسد وبشوید وبخورد شفا یابد دوازدهم اكر ۱۲
كسی این دعا را بنویسد و بر بازوی خود ببندد امان یابد از جمیع
بدیهای عالم سیزدهم اكر كسی قرض دارد وندارد در شب ۱۳
جمعه دو ركعت نماز بگذارد ودر هر ركعت یك حمد وچهل
بار یا غیاث المستغیثین اغثنی و نماز بدرگاه بی نیاز برود
خداوندا قرض مرا از خزانه خود ادا كردان كه ببركت این دعا
قرض او اداء شود چهاردهم انكه اكر در میان زن وشوهر ۱۴
ناسازكاری باشد روز جمعه چهل یكدانه فلفل سفید بگیرد
وبجهت حلال خود بخواند وان فلفل را پنهان كند كه ببركت
این دعا چنان محبت بمیان ایشان بهم برسد كه شرح نداشته

باشد پانزدهم اگر کسی تنگ روزی باشد چهل روز بعد از هر نماز یکبار این دعا را بخواند خداوند تبارک و تعالی چنان دهد که حد نداشته باشد و متحیر بماند شانزدهم اگر کسی محبوسی را ار که خواهد باید چهل یکبار بر کرد سفید بخواند به نیت او که اگر صد فرسخ دور باشد که بیاید و اگر بمشک و زعفران بنویسد بر اعضای برهنه خود مالد اگر صد فرسخ راه برود مانده نشود و اگر خواهد کسی را از مقام خود آواره کند هفت نوبت بر خاک قبر یهودان بخواند در مقام ایشان باشد که آواره شود و اگر مهمی پیش آید روز جمعه دوازده بار الحمد بان نیت بخواند تا جمعه دیگر مهم او کفایت شود بفرمان خدا تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم توکلت علی الله

قربیّا الهی اسئلك ان تقضی حاجتی یا احد یا علام اجیبونی واطیعونی بحق هذه العزیمة الشریفة العظیمة البلیغة المبارکة المیمونة المقدسة العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا اجیبونی واطیعونی وسجدونی وادخلونی بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله وبحق ائمة المعصومین وبحق بسم الله الرحمن الرحیم اجیبونی واطیعونی احضرونی یا ارواح الجن

یا حصانا یا یانسا یا یا سابر یا بارد یا ارد یا احد یا عقب یا سحب یا احد یا صمد برحمتك یا ارحم الراحمین

بسم الله الرحمن الرحیم توکلت علی الله قربیا وجلا و ملا دیو تیا شهو یا شمو تلنا تلتا اورطا اورطبا عنطا عنطیا طوطنطا طوا طنطا طوا طنطا طوطیا اهیا شرا هیا قدمهیا هل مدهیا هرجن اهو آئیل اطرائیل امرائیل صرطنائیل دتبائیل کفائیل بطرائیل طرضائیل جبرائیل و میکائیل امرائیل و عزرائیل محبطائیل تبائیل خسر وائیل روائیل رومنائیل سنحائیل اشرونیا اسروندا و غنحائیل اهبائیل اعمائیل اعنائیل کنائیل مطرائیل علحائیل طوفد معلائیل فدهبائیل برزعائیل تحوربائیل شقطائیل مطائیل ربائیل مطرائیل مکوائیل اکوائیل المائیل اکائیل اطرائیل شونائیل رزخوطائیل نو نوزائیل تدتائیل مهرائیل مهیائیل هلائیل طبا بئیل طبطبائیل نوطائیل موبطائیل سرسائیل نوبائیل قدقائیل مهرائیل مهبائیل مهیائیل اهلائیل طبا بئیل طبطبائیل نوطائیل موبطائیل سرشائیل نویا بئیل صعفلائیل اشمائیل تعطائیل مهرائیل مومرائیل

علی اهیا آئیل برد منک نکتا آئیل زهنا آئیل طور آئیل
طوما ئیل شنیا آئیل صعفا آئیل اطغا ئیل سبز آئیل وتر آئیل
بمهر آئیل نوکسا آئیل کفتا ئیل هجو آئیل کرسا آئیل تو با ئیل
سفرها ئیل سرکبتا آئیل کیتا آئیل سندس راها ئیل
اه واه بوه ودیه نمش اسبیلوا هجروا ئیل منطور آئیل
منطورا مشغود مشغوث مشغوث مشغود محد ود
مندود منطا ئیل برغا تفرعا مانی اوزنیش انیش ارتیش
کذوه اروه ووبا حور طا ئیل طورشا ئیل کوشا ئیل
طوشا ئیل کنها آئیل وسلسا ئیل طوطا ئیل اسنلهر آئیل
صورها ئیل ضرصر آئیل درد آئیل نوز آئیل کلکا ئیل
شمسا ئیل شمخا آئیل اشما جمرهیا ئیل بطعطا ئیل روحا ئیل
حرقا ئیل عطا ئیل دوفا ئیل حرنا آئیل میطظرون
خاطظرون جنجعرون ان طوسیا اوزفون سرنا ئیل
شمخا ئیل سما جمهیا ئیل بطعطا ئیل دوحا ئیل جوقا ئیل
عطا ئیل دوفا ئیل شمختا ئیل رزقوتا ئیل علیها ئیل
معزطا ئیل منظری مضطری شهطری یروما ازوها
ئیل انکدی انکدی اطوها ئیل طوما ئیل فهورطا ئیل

انما هی تکبیثا نلبیثا یکویه دکویه شکونیه شهطر جنثا
شهطربثا طنطفیال خاتم عنت نیال شهر صیال ارنقیا
ل صفا صفا یا معشر الاعوان المی ان تقضی حاجتی
وجمیع بدبنی بحق هذه العظیمة البلیغة تجلوا الوحا الوحا
الوحا الساعة الساعة فی طرفة العین کن فیکون
اجیبونی واطیعونی بحق محمد المصطفی وعلی المرتضی
والائمة الهدی علیه وآله الصلوة والسلم برحمتک
یا ارحم الراحمین

نز ۱۵ در بیان محبت اگر خواهی کسی را محب خود گردانی سه روز میان
نماز ظهر و عصر بیست یکبار آیة الکرسی تا فیها خالدون بخوان
بر حب نبات چون سه روز تمام شود حب نبات را دو قسم کن
نصف را خود بخورد و نصف دیگر را بان شخص که میخواهد
بخوردان دهد اثر عظیم دارد

نز ۱۶ ایضا محبت هر که سوره الم نشرح را هفت بار بر هفت پاره
نمک بخواند در وقت شام در آتش اندازد باسم مطلوب مطلب
حاصل گردد

نز ۱۷ ایضا محبت پیاز نه عدد پیشه دانه و به هر دانه قل هو الله احد
یکبار واند رون پیاز نهد و در آتش اندازد مجرب است

نوع دیگر محبت بیار هفت دانه سیاه دانه و بهر دانه هفت بار
اذا جاء نصر الله بخوان و یکیک در آتش اندازد

نوع دیگر محبت اگر میان زن و شوهر مخالفت باشد از موم
زرد دو صورت بسازد و بر صورت مرد بان طریق نقش
کند پس این آیات بر پوست آهو نویسد و آنرا در میان هر دو
صورت نهد و هر دو صورت را دو برو نهد و در زیر درخت
میوه دار دفن کند میان زن و شوهر مخالفت برطرف شود
اینست ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِنْ بَعْدِ ذَالِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ
اَوْ اَشَدُّ قَسْوَةً وَاِنَّ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْاَنْهَارُ وَاِنَّ مِنْهَا
لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللهِ وَمَا اللهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

نوع دیگر محبت بنویسد بر بال گنجشک بندد و هوا کند آنکس
از عشق بیقرار گردد این است
ه ۱۱۱ ۲ ۱۱ ۹ ۱ ۲ ۱۱ ه ۱۱ ۹ ۲ ه فع عجلوا
عجلوا عجلوا الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا

نوع دیگر محبت بنویس روز سه شنبه در وقت غروب آفتاب
بر باد بیاویزد هیچ قرار و آرام نگیرد مطلوب مجرب است
ع ۱۱۱ ع ۴ ۲ ۱ داع ۷ طالبع اع مور طا طا ط ر ا مع

نوع دیگر محبت اگر زنی خواهد که شوهرش اورا دوست
دارد

دارد این طلسم را نوشته در زیر زبان گذارد با شوهر حرف زند
که محبت پیدا شود ک ۱۱۱ ۲ ۱ ا هر ع ه

نوع دیگر محبت اگر خواهی کسی را محب خود سازی [illegible] بر تخم
مرغ در جائی که آفتاب باشد دفن کند تا عجا [illegible]
ه ۱۱۱ م ۱۹۱۹ ۲ ۱۱ ۱ ع ا ر الا ر ا ۱۱ ا [illegible] طلب فم ۲ فم
علی حب فم ۲ فم العجل العجل العجل الوحا [illegible] وحا الوحا الساعة
الساعة الساعة النار النار النار

نوع دیگر اگر خواهی کسی را بر خو[illegible]شق گردانی بیار چهل
یک دانه فلفل و بر هر یک یکنو[illegible] قل اعوذ برب الناس بخواند
بنت فلان علی حب فلان [illegible] فلان و در چهار مغز جوزه شه
پهلو کند و در نه آتش [illegible] کند که مطلب حاصل است

نوع دیگر بگیرد ه[illegible] دانه فلفل و بر هر دانه یکمرتبه اذا زلزلت
بخواند و بعد مد[illegible]ید سوختم حل رجان فم بنت فلان را
علی حب فم [illegible] النار النار الحریق الحریق الحریق بعد
ازان یکا[illegible]ن در آتش اندازد به نیت آن

نوع [illegible] اگر خواهی کسی را در محبت گرم کنی نام مطلوبش
[illegible]ب چهل بگیر بعد از آن بعددان فلفل یکمرتبه بدوح را
واند بقصد محبت و در آتش اندازد که بسوزد مراد حاصل

باب نوزدهم

بجهت الفت بسناند چهل یکدانه بلادر و بر هر دانه یکبار
اذا زلزلت بخواند و در اخر شب یکیك بو سر سوزن یاجوالدوز
کند و بر چراغ بدارد تا بسوزد انکس قرار نکیرد

نوع دیکر بجهت محبت اکر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار
کردانی بیار یك سیب سرخ و این ایا نرا چهل بار بران سیب
بدمد بدهد بمطلوب تا بخورد دیوانه شود بسم الله الرحمن الرحیم
یارب بحق جبرآئیل یارب بحق میکائیل یارب بحق اسرآئیل
یارب بحق عزرآئیل یارب بحق موسی یارب بحق هارون
یارب بحق عیسی ع یارب بحق محمد صلی الله علیه واله اجمعین

نوع دیکر اکر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار کردانی که اکر
ترا نبیند دیوانه شود یکتار مو از سر انکس بیاور هفت بار
این ایه را بخوان بیاوز تمام نکرده باشی دو دل او طپیدن کیرد اما
هر مرتبه که میخوانی یك کره بزن که مراد حاصل شود و بر هر کرهی
هفت نوبت این ایه را بخوان اتونی زبر الحدید حتی اذا
ساوی بین الصدفین قال انفخوا حتی اذا جعله نارا قال
اتونی افرغ علیه قطرا فما اسطاعوا ان یظهروه وما
استطاعوا له نقبا

نوع دیکر محبت شرعی نوشته بر شانه کوسفند در آتش

بسوزانند محب حاضر کردد و از مجربات شمرده اند و اسم
محبوب را بنویسد و در وقت نوشتن و اتش کذاردن اسم
محبوب را در هر دو حال ذکر کند مشروطا للشرع

/// ه و ۸ ع ا ر ا ه ۲ ع ۱ کهر ۱۱۱ لا ۱۱ م د و ا ه

در پارچه سفید طاهری نوشته در چراغ دان سبز کذارده
با روغن زیتون باشد برافروزند ه ۱۹۸ ا طر ۱۱۱۱۱۱
ط و ع ط ح بنویس بر کاغذ و هفت فلفل در میان
کاغذ بپیچد در روز چهارشنبه در شب پنجشنبه در اتش
اندازد ا ه هو هکیج همایج هکبج هلیج هلیج ا ه ا ه ا ه ا ه
ا ه باسم دوستی ف ۲ ۲ ف علی محبت ف ۲ ۲ ف

ایضا نوع دیکر اکر خواهی میان زن و شوهر محبت پیدا
شود بنویس این مهر را در زیر سر خود کذارد یا در بالش پنهان
کند هر دو سر بالای آن کذارد چندان محبت پیدا شود مثل
یوسف و زلیخا و اکر هر چه بر این مهر نکاه کند همیشه خوشحال
باشد و در رزق بروی کشاده شود و شك نیاورد در این است

ع ۹ ۱۱۱ مع ۲ ۱۱ ۲ ۱۲ ۱۲ ۳ صف ۱۸ ۸ ۸ سم
۸ ۴ ۴ ۱ ۱ ع ۱۱ ۲ ۳ ۶ ۱ ۲ ۵ ع ر ۹ ۸ ۷ ۵
ارم ۵ ۵ ۸ ۹ ۱۱ ۴ ۲ ر سه سه سه

نوع دیگر اگر کسی درجائی عاشق باشد وانکس دل باو ندهد
این طلسم رابنویسد ودرمیان کرده کان نهد دبسوزاند ازعشق
بیقرار کردد بفرمان خدا تعالی

وهما معظم نعال بهم ولو کان وهذه حق حق الحق ۱۱۷۳ ۱۱ مکم نا
و۹۹ هـ ا و ۱۱

نوع دیگر محبت هفت پنبه دانه وهفت پاره سنك سرخ وهفت
استخوان خرما بر هریك چهار الحمد بخواند وبرهریك بسم الله
بخواند ودر آتش اندازد ودراول واخر نام انکس برد وبرهر
یك اية زین للناس را تا والأنعام والحرث بخواند نزدیك
باشد که هلاك شود

نوع دیگر محبت بیاورد هفت دانه فلفل وبخوان بر فاغلبها
چهل هفت حب دبیاور پیاز سفید ومیان اورا برواد واینها را
درمیان او بکذارد وبرشته دختر نا بالغ کذاشته در آتش نهد
مطلب حاصل است باذن الله تعالی

نوع دیگر محبت بیاورد چهل یکدانه فلفل وهفت بر هفت این
ایه را بخوان ودانه دانه در آتش اندازد ونام انکس ومادر
او بزبان جاری کند اگر صد فرسنك دور باشد بیاید
بسم الله الرحمن الرحیم وانه علی ذلك لشهید وانه لحب
الخیر لشدید ودر وقت آتش انداختن بکوید سوختم قلب ۲۲۲

نوع دیگر محبت اگر کسی عاشق باشد ومطلوب باو محبت ندا ۲۶
باشد تخم مرغ بیاورد واین طلسم را درمیان تخم مرغ کذارد و
درنزدیك اتش دفن کند چندانکه بسوزد بی ارام کردد مجربست

صبح صبح جبح عم لو می لوهسی العجل العجل العجل صلح
مسهوالولد ۱۱۱ ع ۱۱۱ ۱۷

نوع دیگر اگر زنی خواهد شوهر اورا دوست دارد این ۲۷
طلسم را نوشته زیرزبان کذارد باشوهر سخن کوید محبت پیدا
شود
ك ۱۱ ۱۲ ا هـ ی ح الارباه

نوع دیگر اگر خواهی کسی را محب خود کردانی مشت خاك ۲۸
بردار از قدمکاه او وهفت بار این ایه را بخوان وبران خاك
دمد وبباد دهد انکس محب وفرمان بردار کردد ایه
یا ایها الذین امنوا لا تقولوا راعنا وقولوا انظرنا و
اسمعوا وللکافرین عذاب الیم

نوع دیگر محبت بکیر هفت میخ که مقدار یك انکشت باشد ۲۹
بر هر میخ یکبار سوره یس را بخوان بنیت هفت اعضای
وی ودر تنکی اتش دفن کن وچون کرمی اتش بان بیچهار
رسد از دوستی تو بیقرار کردد

نوع دیگر اگر خواهی دل کسی را بجوز متعلق کند چنانکه از همه
کس دل برگیرد و دل بتو بندد در روزی سعد اگر عمل برای مردی
باشد دل گوسفند نر و اگر برای زنی دل گوسفند ماده بستاند
بشکافد و این تعویذ وا برا بمشك و زعفران بنویس و بیست
یکدانه فلفل بر هر یکی یکبار قل اعوذ برب الناس تا آخر سوره
به نیت محبت آنکس بران بخوان و در اندرون دل هفت
سوزن در اطراف دل زند در خمیر گیرد و در پهلوی قلبش
آتش دفن کند عجایب بیند این را عقد القلب گویند اینست

عقد تم قلب ﻓ ۲ ﻓ علی حب ﻓ ۲ ﻓ انا جعلنا علی قلوبهم
اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا ومن الناس من
یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله والذین
آمنوا اشد حبا لله القیت علیک محبة منی ولتصنع
علی عینی الساعة الساعة ۲۲۳ ح ح [illegible]
۳۱ ک ۸ ۳ ح صه سو
سوختم دل و جان و
دروح روان ﻓ ۲ ﻓ ۲ ع ک ۳۳ ط ۱ ۱ ل
بمحبت ووردستی ﻓ ۲ ﻓ الوحا الوحا النار السعیر السعیر
الحریق الحریق
نوع دیگر در المحبة

الث

اکتب باسم من ترید واسم امه وعلقه فی شجرة تراه عجایبا
وهو هذا ه ه ه ه عقل ه عسهل وموبل ه
معلل العجل العجل التکفیه هه ه الساعة عقدت
نوم فلان بن فلان لمحبة ﻓ ۲ ﻓ ط ۱۱۱ ع ۱۱۱ ۸ ۱۱۱ ک
الساعة باهیا شراهیا

کنز ۴۲ نوع دیگر محبت هرکه بگیرد چهل ویک دانه فلفل و بر هر یکی
یکبار سوره فاتحه را بخواند و آن فلفل ها را در درون پیاز
سفید نهد و سر از هم بدان پاره پیاز و بر داشته محکم کند
و سه میخ از چوب انار ستبرین تراشید در سر آن پیاز خلال مینده
و بعد از آن پیاز را در زیر آتش دان نهد چنانکه اثر حرارت
آتش بان رسد اما باید که نسوزد و انگشت شود محبت در
دل محبوب اثر کند

کنز ۴۳ نوع دیگر محبت بگیرد خرما و هفت نوبت این را بران بخواند
و بخورد آنکس دهد می خورد از عشق بیقرار گردد و اینست
وذللناها لهم فمنها رکوبهم ومنها یاکلون سبحان الذی
سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون
باسم ﻓ ۲ بنت فلانه علی حب فلان الساعة الساعة الساعة
مجرب است

٤٤ نوع دیگر از جهت محبت چهل یکمرتبه بر چهل یکدانه فلفل
سفید بخواند و در آتش اندازد و هر دانه که یکصدا کند
یکبار این عزیمت را بخواند اینست عَزَمْتُ عَلَیْکُمْ یَا اَهْلَ
الرِّیحِ وَالرِّیَاحِ وَمُلُوکِ الْاَرْوَاحِ عَجِّلُوا وَاَجِیبُوا وَاَطِیعُوا
وَاَحْضِرُوا وَخُذْ طَرْفَةَ الْعَیْنِ قَلْبَ فلان ۲ فی علی حب
فی ۲ فی

٤٥ نوع دیگر محبت سوره والمرسلات را نه مرتبه بر خون
سیاوش شان بخواند و بدمد و بسوزاند مطلوب بیقرار
و دیوانه او شود

٤٦ نوع دیگر بجهت محبت سوره والمرسلات را هفت دفعه بر
هفت پاره چوب صندل بخواند و در آتش اندازد مجرب است

٤٧ نوع دیگر محبت سوره عم را بیست مرتبه بر موی شنسته
بخواند و بسوزاند مطلوب دیوان شود از عشق او

٤٨ نوع دیگر محبت هر که سوره قل یا ایها الکافرون را چهار
مرتبه بر نمک بخواند و بدمد بنام هر کسی خواهد بسوزاند
مراد حاصل شود

٤٩ نوع دیگر اگر خواهی با کسی اشنائی نمائی و ایشان راضی
نباشند و ایند عاء را بر تخم مرغ نوشته و در آن نام انکس اندازد

دبنفشه

و بشکند البته راضی شود مجرب است عح عح عح ع ع ع ع
ع ع اعح عح لد لد لد لد لد لد لد لد لد

نوع دیگر چون کسی خواهد که شخصی را مطیع خود گرداند
بنویسد این آیه را بمشک و زعفران و گلاب در اول ساعت روز
جمعه و شب در زیر سر گذارد و روز ببازوی راست خود ببندد
و مطلوب خود را طالب مشاهده کند وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَتَّخِذُ
مِنْ دُونِ اللهِ اَنْدَادًا یُحِبُّونَهُمْ کَحُبِّ اللهِ وَالَّذِینَ آمَنُوا اَشَدُّ
حُبًّا لِلّٰهِ وَلَوْ یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا اِذْ یَرَوْنَ الْعَذَابَ اللهِ وَهُوَ
السَّمِیعُ الْعَلِیمُ وَالْحَکِیمُ اِلٰهُ وَاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ
الرَّحِیمُ اِیَّاکَ نَعْبُدُ وَاِیَّاکَ نَسْتَعِینُ اَللّٰهُمَّ اَلِّفْ بَیْنَ قُلُوبِ
فلان بن فلان و بنت فلان کَمَا اَلَّفْتَ بَیْنَ اسْرَافِیلَ وَیُوسُفَ
علیه السلام وَامْرَاَةُ الْعَزِیزِ تُرَاوِدُ فَتٰیهَا عَنْ نَفْسِهِ اِنْ اَحْسَنَ
مَثْوَایَ اِنَّهُ لَا یُفْلِحُ الظَّالِمُونَ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا اِنَّا لَنَرٰیهَا
فِی ضَلَالٍ مُبِینٍ ط۱۱۹۸۵۱۱۱ع ط۱۱ ط۹۹ ط۱۱ ه۱۱۱۱۸۸۱۵

نوع دیگر این عزیمت را بر آهن پاره بنویس بنام مطلوب
و مادرش و در آتش نهد که سرخ شود هنوز در آتش باشد
که مراد حاصل شود و آن مکرر تجربه شده است و آزموده است
اینست ابا مره و سمع یا میمون بن میمون و یا صحاب هذا

الم هامیمون بعد املله للهد قلب فم ۲ فم الی حب ۲۲ فم
لبص علیه ملهم علنلع مسه عسااا۸ع۳ ۱ دی
حاماو کاماالمرد علالطا ورا سووو رعل

نوع دیگر کنوز الاسرار بیار شیشه و پاره نفط در انجا کند
و ۷ دانه گندم و ۷ دانه جو و ۷ دانه نمک و ۷ دانه فلفل
و این عزیمت را بر کاغذ نوشته و دران شیشه کند و در راه
گذارد انکس دفن کند این از غرایب است و ازموده است
حا ااااا۷۳۹۳اا۲گ حاه۱/۱۵اااااا۳ااا۲ مه
مه مه لوا ساما ۲۱ااا ساما ـه ـعـ
لهم من الم یسی صداه دفروه اسعد النار
محرق قلب و فؤاد بدن فم ۲ فم دعشق وی ف سوز محبت
فم ۲ فم لا نوم لا قرار لا طعام ولا شراب

نوع دیگر هر کس این طلسم را بر پارچه سفید رزکوب و در
چراغ دان نو نهد و بروغن برافروزد در ساعت انکس
بیاید و اگر دشمن باشد دوست گردد بفرمان خدای تعالی
ااااا۷ااطاا۹ااا۱ عسااا ک ۹ ۲ ل
الطااااو هیجو قلب فم ۲ فم بمرده والمحبة والعشق هیا هیا
العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة

نوع دیگر اگر بنویسد و در زیر بالین خود نهد بنام انکس که کنز ۵۴
خواهد خواب بروی بسته شود تا روز بیقرار شود بفرمان خدا
ه ۵ ع ا ا ۸اااا م عسح هلام ۸ سال ممم ۱۲ ملهم
م۹۲اااا صمم۲۲ااا صم اطه۱۲ واها صرا۲ لاار لمع
هسساا۷۲ مم۸۱۸۲ ای ۱۱ اسم لاا ۱۱۱۷ ااا ۳ سم ۱۱ دلا لاکه۱۱۹ ۲۴۴
۵ طع ص۱۱۱۱ ااااا ۴۳ ۹ ک ارلس حا ۱ سمعلول هاها
هاهاً شراهیا اصاوث اسمعلون بحق سم الذی سداد ۸ سطر
للکحک الو ۹۹ ۳۳ عجل امل عجل هسطر محطو ۱۱ ۴م۱۱
الاع سداد سم ا

نوع دیگر بنویس بر کاغذ بر درخت بیاویزد مراد حاصل کنز ۵۵
شود والرتاج ذو الرتاج فلان بنت فلان را مهربان گردان
بحق کهیعص و بحق حمعسق و بحق اهیاً شراهیاً و بحق
علیهم غیر المغضوب علیهم انعمت علیهم ولا الضالین

ایضاً هرگاه میان زن و شوهر ناسازگاری باشد این کنز ۵۶
طلسم را بنویسد در ایشان دفن کند سازگاری شود
ااااا۷ ط ۱ هـ اا

نوع دیگر هرگاه خواهی که کسی را از عشق تو بیقرار گردد که نخوابد کنز ۵۷
و نیاشامد هفت بار سوره الم نشرح بخوان بکار و هفت مرتبه